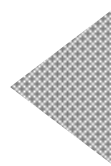


اقتصاد، توسعه و اخلاق

با نگاهی به آموزه‌های اسلامی



سید محمدحسن مصطفوی^۱

(تاریخ دریافت ۸۸/۹/۲ - تاریخ تصویب ۸۹/۱/۲۵)

چکیده

اقتصاد در زمان شکل‌گیری و به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک رشته علمی از سوی آدام اسمیت^۲، در بستر فلسفه غوطه‌ور بود و از آبشخور اخلاق تغذیه شده و تا مدت‌ها به عنوان اقتصاد سیاسی نامیده می‌شد که به علت سیطره اقتصاد کلان بر آن و در ارتباط با سیاست و سیاستگذاری، با باید و نبایدها و ارزش‌ها سر و کار داشت؛ اما این فرزند ناخلف، هر چه با ریاضیات بیشتر عجین شد، روش علوم طبیعی را بیش از پیش برگرفت و صبغه پوزیتیویستی بیشتری یافت و نهایتاً با افراط در فردگرایی، کاملاً از اخلاق جدا افتاد.

محصول یک چنین اقتصادی در عرصه‌ها و رشته‌های مختلف، مشکلاتی را به بار آورد؛ از جمله اینکه اعتماد و همبستگی را تحت‌الشعاع قرار داد، و در توسعه، تخریب محیط زیست و ایجاد نابرابری، بی‌عدالتی و گسست اجتماعی را در پی داشت.

در واکنش به این فرایند، در دهه‌های نیمه قرن بیستم، گرایش انتقادی، هم در اقتصاد توسط اندیشمندانی چون لیونل رابینز^۳ بروز نمود و سپس به طرح مفهوم و گسترش مبحث سرمایه اجتماعی منجر گردید؛ و هم در توسعه توسط صاحب‌نظران برجسته توسعه مانند دنیس گولت^۴ و

۱- عضو هیأت علمی پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، mmostafavi@modares.ac.ir

۲- Adam Smith (1723-1790)

۳- Lionel Rabines (1898-1984)

۴- Denis Goulet

دیوید آلن کراکر^۱ مطرح و بحث‌های اخلاق و اقتصاد، اخلاق توسعه و فلسفه اخلاق توسعه به ادبیات اقتصادی وارد گردید که رفته رفته اهمیت خود را در محافل و مراکز علمی، بیش از پیش آشکار می‌نماید.

این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای تدوین یافته است، مروری بر مباحث فوق دارد و به اصلی‌ترین چالش‌های توسعه بویژه از دیدگاه یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان اقتصاد و اخلاق توسعه؛ دنیس گولت می‌پردازد که مهمترین آنها تحت‌الشعاع قرار گرفتن محیط زیست، عدالت و یکپارچگی اجتماعی است. سپس آموزه‌های اسلامی درباره این سه مقوله که در روزگار جدید به آن‌ها توجه بایسته نشده و مشکلات بسیاری ایجاد کرده، ارائه می‌گردد و چند پیشنهاد، پایان‌بخش مقاله است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اخلاق، توسعه، اخلاق توسعه، فلسفه اخلاق توسعه، محیط زیست، عدالت، یکپارچگی اجتماعی.

مقدمه

علم اقتصاد که در دامن اخلاق، فلسفه و سیاست بالید، رفته رفته از آن‌ها فاصله گرفت، به طوری که نتایج حاصل از آن در توسعه به بحران اخلاقی منجر شده و تلاش‌های بسیاری از سوی صاحب‌نظران به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم به این سو، جهت فائق آمدن بر این بحران به عمل آمده است و هم اکنون نیز ادامه دارد. در این مقاله با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، فرایند فوق بررسی شده و دیدگاه اسلامی به طور مختصر درباره آموزه‌های اخلاقی بیان شده است.

در مقاله به ترتیب مباحث زیر مطرح شده است:

پس از مقدمه و در فصل دوم به بررسی علم اقتصاد و اخلاق پرداخته و موضوعاتی مانند اخلاق در نظریات بنیانگذار علم اقتصاد، اخلاق پس از تأسیس علم اقتصاد، اخلاق پس از آلفرد مارشال، پیدایش و گسترش بحث سرمایه اجتماعی و بازگشت به اخلاق مورد اشاره قرار می‌گیرد. فصل سوم درباره توسعه بوده و فصل چهارم به اخلاق توسعه می‌پردازد که شامل

مروری بر مفهوم و تاریخچه اخلاق توسعه، فلسفه اخلاق توسعه و دیدگاه پیشگام و صاحب‌نظر اخلاق توسعه می‌باشد. فصل پنجم در موضوع ناهنجاری‌های توسعه بوده و شامل مباحثی مانند تخریب محیط زیست و فقر و نابرابری است. فصل ششم نیز به آموزه‌های اسلام اختصاص دارد که شامل محیط زیست، عدالت و جنبه‌های دیگری از عدالت و سرمایه اجتماعی می‌باشد. در فصل هفتم و پایانی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی ذکر می‌گردد.

۲. علم اقتصاد و اخلاق

علم اقتصاد در زمان شکل‌گیری خود به عنوان شاخه‌ای از علوم اخلاقی پرورش پیدا کرد و بعدها به ویژه هرچه این علم به سمت ریاضیات گرایش یافت، از علم اخلاق دور و دورتر شد. ریاضیات فنی بود که به اقتصاد از نظر توسعه کمی، مدد بسیار رساند و به کمک آن رفته رفته روش پوزیتیو (اثبات‌گرایی) بر اقتصاد تسلط یافت.

به این ترتیب، ارزش‌گذاری‌های اخلاقی از اقتصاد کنار گذاشته شد و عموم اقتصاددانان سعی بر این داشتند که انسان‌ها و رفتارهای اقتصادی آنان را مانند پدیده‌های طبیعی، جدا از داورهای اخلاقی تلقی کنند و آن را تحت عنوان بی‌طرفی، روش‌شناسانه قلمداد نمایند. اما به تناقضات آشکاری نیز در این فرایند برمی‌خوریم؛ زیرا انسان اقتصادی که در فرض بنیادین اقتصاد خرد تعریف می‌شود، انسان شدیداً عقلانی (حسابگر) و طمع‌ورزی است که به دنبال کسب بیشترین منافع و سود، بدون هیچ‌گذشتی می‌باشد. این رویکرد حاصلی به بار آورده است که به عنوان نمونه، مواردی از نتایج در پی می‌آید. در یک مطالعه، مشاهده شد که عموم افراد به طور کلی دارای روحیه جمعی و حسن‌همکاری‌اند، بجز گروهی از دانشجویان سال اول دوره کارشناسی رشته اقتصاد که به گروه کمک بسیار کمتری می‌کردند و مفهوم انصاف برایشان به طور کامل بیگانه بود. تمایل به گرفتن «سواری مجانی» میان دانشجویان اقتصاد، بسیار بیشتر از گروه‌های دیگری بود که مورد آزمایش قرار گرفتند (مارول و ایمز^۱، ۱۹۸۱) و چنین به نظر می‌رسد که آموزش اقتصاد، مردم را خودخواه‌تر می‌کند (آلوی، ۱۳۸۴).

۱-۲- اخلاق در نظریات بنیانگذار علم اقتصاد

اکثر اقتصاددانان بر اینکه آدام اسمیت^۱ علم اقتصاد مستقل را پایه‌گذاری کرد، متفق‌القول‌اند. اسمیت در دانشگاه گلاسکو کرسی درس فلسفه اخلاق را داشت و درس فلسفه اخلاق وی مشتمل بر ۴ بخش بوده است: الهیات طبیعی^۲، علم اخلاق^۳، عدالت و مقررات سیاسی بر پایه مصلحت؛ که به ویژه این بخش آخر به گونه‌ای ارائه می‌گردید که بر ثروت، قدرت، رونق و شکوفایی دولت بیفزاید و ویرایش اول مجموعه بحث‌های آن با عنوان ثروت ملل^۴ در سال ۱۷۷۶ در سطحی گسترده انتشار یافت و از نظر آدام اسمیت علم اقتصاد - یا به تعبیر او اقتصاد سیاسی - درون این طرح عظیم فلسفه اخلاق جای می‌گرفت.

البته نخستین کتاب منتشر شده اسمیت، کتاب نظریه احساسات اخلاقی بود که در آن نظام اخلاقی را طرح می‌ریزد که هم چارچوبی عمومی برای قلمرو اقتصادی و هم بینش‌هایی برای موضوعات خاص اقتصادی فراهم می‌آورد و فهرستی از فضایل را در آن بررسی می‌کند. این فهرست شامل فضیلت‌هایی در باب تجارت همچون تدبیر، هوشیاری، مآل‌اندیشی، میانه‌روی، وفای به عهد و قاطعیت می‌شود (ن.ک.: اسمیت^۵، ۱۹۶۷). اسمیت در همان کتاب، به عدالت بسیار بها می‌دهد و از آسیب رساندن به دیگران به شدت پرهیز می‌دهد و به خیرخواهی^۶ نیز تأکید وافر می‌کند.

همچنین در کتاب ثروت ملل، رشد اقتصادی را به طور مستحکمی با اخلاق در پیوند و ارتباط می‌داند که اخلاق را، هم پیش‌نیاز و هم حاصل رشد می‌داند و حتی مبادلات در تجارت آزاد را در چارچوب اصول اخلاقی جایز می‌داند و حتی از این موضع به مکتب سوداگری^۷ حمله می‌کند. وی در یکی از جملات کلیدی کتاب بر عدالت این چنین تأکید می‌ورزد: هر انسان تا وقتی که عدالت (قوانین عادلانه) را نقض نکرده باشد، کاملاً آزاد است تا نفع خود را به شیوه

۱ - Adam smith (1723-1790)

۲ - Natural theology

۳ - Ethics

۴ - Wealth of Nations

۵ - Smith, 1976

۶- Benevolence

۷- Mercantilism

دلخواه خود دنبال نماید. انباشت سرمایه نیز مستلزم رعایت صفات اخلاقی است (اسمیت، ۱۹۶۷). اقتصاد در دستان اسمیت در خدمت اهداف اخلاقی است و اقتصاد او، علم اخلاقی به معنای واقعی کلمه است.

۲-۲. اخلاق پس از تأسیس علم اقتصاد

بعد از اسمیت، توماس رابرت مالتوس^۱ - کشیشی که به اقتصاد روی آورد- نیز اقتصاد را علمی اخلاقی می‌دانست و از اسمیت پیروی می‌کرد و به آلاینده‌های صنعتی سخت می‌تاخت؛ اما پس از او دیوید ریکاردو^۲ اگر چه در کتاب‌های خود از ریاضیات چندان استفاده نکرد ولی به بهره‌گیری از ریاضیات در اقتصاد تمایل داشت و علم اقتصاد را از روش اسمیت جدا کرد.

پس از او نیز جان استوارت میل^۳ به روش ریکاردویی گرایش یافت و علوم اخلاقی را در مقایسه با علوم طبیعی، عقب‌افتاده می‌دانست و از ریاضیات در کتاب‌هایش بهره‌گیری کرد و برای اولین بار از عنوان و مفهوم «انسان اقتصادی» استفاده نمود که این انسان، یک حداکثر کننده ثروت است (با استفاده از آلوی، ۱۳۸۴).

در این میان لئون والراس^۴ نیز شیفته صورت ظاهر و نه محتوای نظریات اقتصادی بود که به ریاضیات بیش از پیش اهمیت می‌داد؛ همچنین کارل منگر^۵ اقتصاددان بزرگ اطریشی مکتب ریاضی^۶ را گسترش دادند (قنادان، ۱۳۸۶).

البته پس از میل که اقتصاد کلاسیک به پایان می‌رسد، ویلیام استنلی جونز^۷ برجسته‌ترین اقتصاددانی بود که اقتصاد را مشابه علوم طبیعی و مکانیکی می‌دید و تلاش‌های زیادی برای فیزیک اجتماعی نمود که از ریاضیات و آمار بیش از پیش بهره می‌برد؛ گرایشی که با انتقاد جان

۱- Thomas Robert Malthus (1766-1834)

۲- David Ricardo (1772-1823)

۳- John Stuart Mill (1806-1873)

۴- Leon walras (1834-1910)

۵- Carl Menger (1840-1912)

۶- Mathematical school

۷- William Stanley Jevons (1835-1882)

کنت گالبرایت^۱ به این صورت مواجه گردید: ارزش‌های اخلاقی از درون یک علم ریاضی رخت می‌بندد (گالبرایت، ۱۹۸۷).

جونز سعی کرد رشته اقتصاد سیاسی^۲ را به دانش اقتصاد^۳ که کمی‌تر بود و از ارزش‌ها فاصله بیشتری داشت، تغییر دهد و بین واقعیت‌ها و ارزش‌ها تمایز بیشتری قائل گردد و نوعی لذت‌گرایی را پایه اقتصاد قرار دهد.

ویلفردو پارتو^۴ اقتصاددان ایتالیایی و جانشین والراس در دانشگاه لوزان سوئیس با طرح منحنی‌های بی‌تفاوتی، مشکلات موجود در زمینه اندازه‌گیری عددی مطلوبیت را از میان برداشت و مکتب اصالت مطلوبیت را استحکام بخشید و بر اساس آن معیاری را ارائه داد که به بهینه پارتو^۵ معروف است. وی یکی از مهمترین آثار اقتصاد ریاضی زمان خود را تدوین کرد (ر.ک.: قنادان، ۱۳۸۶) که به اقتصاد صبغه ریاضی بیشتری داد.

بر اساس مکتب اصالت مطلوبیت و معیار بهینه پارتو، هر روشی که رفاه اجتماعی را حداکثر نماید، انتخاب می‌گردد. که در زمینه منابع طبیعی و محیط زیست، عمل به این معیار سبب می‌شود تا حق بهره‌مندی انسان از محیط زیست پاک و سالم و همچنین حق لذت بردن انسان از طبیعت زیبا نادیده گرفته شود. فرض کنید برای تکمیل شبکه حمل و نقل ریلی لازم است بخش وسیعی از مناطق جنگلی نابود شود، و در این صورت، بر طبق معیار پارتو، باید سود و زیان در نظر گرفته شود.

اولاً، منفعت حاصل از لذت بردن انسان‌ها محاسبه نمی‌شود زیرا قابل مشاهده و محاسبه پولی نیست؛ ثانیاً، منفعت حاصل از وجود جنگل‌ها (برای سلامتی و حیات بهتر بشر) قابل محاسبه پولی دقیق نیست و بنابراین منفعت فوق، نادیده گرفته می‌شود و بدین ترتیب، انسان‌ها از حق بهره‌مندی و لذت بردن از محیط زیست پاک و طبیعت زیبا محروم می‌شوند (توحیدی‌نیا، ۱۳۸۳).

آفرد مارشال^۶ استاد دانشگاه کمبریج که نخستین اقتصاددان نئوکلاسیک شناخته می‌شود، مسیر

۱ - John Kenneth Galbraith (1908)

۲ - Political Economy

۳ - Economic science

۴ - Vilfredo pareto (1848-1923)

۵ - Paretian optimum

۶ - Alfred Marshall (1842-1924)

جونز را ادامه داد و اقتصاد را علمی محض و کاربردی می‌دانست و اثر اصلی خود را «اصول علم اقتصاد» نامید که پس از آن عنوان علم اقتصاد در محافل علمی جهان پذیرفته شد و علم اقتصاد کاملاً از رشته علوم اخلاقی و تاریخی گسسته و مستقل شد و در جستجوی جایگاهی در مجموعه علوم فیزیکی برآمد (با استفاده از آلوی، ۱۳۸۴).

۳-۲- اخلاق پس از آلفرد مارشال

پس از مارشال، لیونل رابینز^۱ دانش‌آموخته مدرسه عالی اقتصاد لندن و میلتون فریدمن^۲ از اقتصاددانان برجسته مکتب پولی و نظم‌دهنده مکتب پولی شیکاگو و برنده جایزه نوبل، روش اثباتی را تکمیل کردند که خط بطلان بر اینکه اقتصاد می‌تواند ماهیتی اخلاقی نیز داشته باشد، کشیدند و به این ترتیب علم اقتصاد که از بطن علم اخلاق زاییده شده بود، از آن کاملاً به دور افتاد و فرض حداکثرسازی مطلوبیت به حداکثرسازی ثروت و آزمندی انسان‌ها به عنوان پایه اولیه اقتصاد تبدیل شد.

اقتصادسنجی بر پایه ریاضیات نیز جزء ضروری بیشتر رساله‌های دکتری درآمد و با توسعه اقتصادسنجی، اقتصاد کاملاً ریاضی شد و گرایش‌های جدید اقتصاد اطلاعات و نظریه بازی‌ها که به طور عمده بر ریاضیات مبتنی هستند، شکل گرفت و تاریخ اقتصاد و عقاید اقتصادی از دروس دانشگاهی حذف شدند (باربر^۳، ۱۹۹۷؛ با استفاده از آلوی، ۱۳۸۴).

تاریخ اقتصاد و عقاید اقتصادی یکی از درس‌هایی است که جایگاه اقتصاد و نظریات اقتصادی را در بسترهای تاریخی آن‌ها یعنی اخلاق، فلسفه و سیاست تبیین می‌نماید.

در مجموع می‌توان گفت سرمایه‌داری بر لیبرالیسم اقتصادی و لیبرالیسم بر اصالت فرد و آزادی فردی استوار شده و بر منبای آن، فرد و منافعش بر جامعه و مصالح آن اولویت دارد و بنابراین حقوق و خواسته‌های او مقدم بر منافع اجتماع است و بدین ترتیب مبانی فردی و سودجویی شخصی، جایگزین ارزش‌های اخلاقی می‌شود (نمازی، ۱۳۷۴).

۱- Lionel Robbins (1898-1984)

۲- Milton Friedman (1912-2006)

۳- Barber

۴-۲- پیدایش و گسترش بحث سرمایه اجتماعی، واکنش به اقتصاد مرسوم

سرمایه اجتماعی، نیروی بالقوه در روابط بین افراد یک جامعه است که باعث انجام کارای امور آن جامعه می‌شود و هنجارها و شبکه‌هایی را در بر می‌گیرد که امکان مشارکت مردم را در اقدامات جمعی به منظور کسب منافع متقابل فراهم می‌کند و با شیوه‌هایی همچون سطح اعتماد اجتماعی، همبستگی و عضویت در فعالیتهای اجتماعی رسمی و غیررسمی قابل اندازه‌گیری است (سعادت، ۱۳۸۴).

توجه به سرمایه اجتماعی، عکس‌العمل فردگرایی افراطی در تئوری‌های اقتصادی است که بازتاب آن در جوامع غربی به خوبی نمایان است؛ بویژه که با فروپاشی و کمرنگ شدن نظام‌های اقتدارگرا در جهان که بر جمع‌گرایی استوار بود، فردگرایی بیش از پیش تشدید شد که واکنش به آن، در پیدایش و گسترش سریع موضوع و مفهوم سرمایه اجتماعی متجلی شده است و اگر چه تعداد مقالات دانشگاهی ممکن است بهترین شاخص برای تقاضا نباشد، با این وجود مقالات علمی مربوط به سرمایه اجتماعی تا قبل از سال ۱۹۸۱ میلادی مجموعاً ۲۰ مقاله، از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ به ۱۰۹ مقاله و از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ میلادی به ۱۰۰۳ مقاله رسیده و این رشد همچنان ادامه دارد و می‌توان گفت سرمایه اجتماعی مورد توجه فزاینده‌ای در جامعه علمی می‌باشد. تعداد زیادی از سیاستگذاران و روزنامه‌نگاران نیز با این اصطلاح آشنا هستند و این اصطلاح در حال ورود به فضای عمومی جامعه است (فیلد، ۱۳۸۶).

همچنین در دهه ۱۹۹۰ میلادی بیشترین ارجاع مجلات معتبر به کلید واژه سرمایه اجتماعی بوده و پژوهشنامه‌ای نیز با همین عنوان منتشر و انجمن «ابتکار درون- امریکایی برای سرمایه اجتماعی، اخلاق و توسعه»^۱ در سال ۲۰۰۰ میلادی تأسیس شده است.

۵-۲- بازگشت به اخلاق

پس از تسلط روش اثبات‌گرایی و دوری از اخلاق، در قرن بیستم، گرایش‌های اخلاقی دوباره زنده می‌شود. رابینز که خود از تکمیل‌کنندگان روش اثباتی اقتصاد بود، در سال ۱۹۳۲ میلادی برای نخستین بار مدعی شد که تمایز میان «ارزش» و «واقعیت» منجر به افزایش شکاف میان «اخلاق» و «اقتصاد» می‌شود و پس از آن بود که اخلاق و اقتصاد و اهمیت اصول اخلاقی و

۱- Inter – American Initiative on Social Capital, Ethics and development.

ارزش‌های انسانی در علم اقتصاد و روابط اقتصادی، وارد عرصه‌های نظری شد (هملین، ۱۳۸۶). موضوع اخلاق و اقتصاد، به گونه‌ای با مقوله دین و اقتصاد پیوند می‌خورد. دین مجموعه‌ای از عقاید، عبادات، اخلاق و احکام (حقوق) است و دست کم بعد اخلاقی دین می‌تواند با اقتصاد پیوند داشته باشد (دادگر، ۱۳۸۳).

از نمایندگان تفکر اخلاق‌گرا در اقتصاد آمارتیا کومار سن^۱ برنده جایزه نوبل است که به صراحت اظهار می‌دارد: علم اقتصاد به علت فاصله‌ای که میان اقتصاد و اخلاق پدید آمده، دچار فقر بنیادی شده است (سن، ۱۹۸۷).

او ثابت می‌کند که رفتارهای واقعی انسان‌ها تحت تأثیر ملاحظات اخلاقی است و فاصله ایجاد شده بین اقتصاد و اخلاق، باعث نارسایی در اقتصاد شده و اقتصاد می‌تواند از پیوند با اخلاق سود ببرد. همچنین سعادت نهایی در اقتصاد نمی‌تواند صرفاً مبتنی بر کار آیی باشد و حتماً بعد اخلاقی را نیز در بردارد (با استفاده از سن، ۱۳۷۷).

سن با چاپ مقاله‌ای درباره پارتو در سال ۱۹۷۰ به وی تاخت و با انتشار کتاب «انتخاب جمعی و رفاه اجتماعی» در سال ۱۹۷۱ میلادی، بر دور شدن اقتصاد از اخلاق، نقد جدی وارد کرد. این چنین بود که توصیه می‌شود:

باید ملاحظات هنجاری و اخلاقی، به نظریه اقتصاد و توسعه تزریق شود. علم اقتصاد با اینکه از تزویج فلسفه و اخلاق به وجود آمده است ولی امروزه به اثباتی بودن (عاری بودن از اخلاق) تظاهر می‌کند، که این تظاهر، نه تنها صادق نیست، بلکه مضر است و اقتصاد و توسعه باید با ارزش‌های اخلاقی آشتی نماید. امروز این نکته به قدری روشن است که حتی اقتصاددانان سوسیالیست می‌گویند: سیاست‌های سوسیالیستی در صورتی برای نسل بعد، زندگی پرنشاط به ارمغان می‌آورد که پایه‌های عمیق‌تر از لحاظ مذهبی و اخلاقی داشته باشد (حیدرنقوی، ۱۳۸۰).

همچنین جوزف استیگلیتز^۲ با طرح هزینه‌های معاملاتی، حقوق مالکیت، قراردادهای تکمیل نشده و تصمیم‌گیری در شرایط ابهام، دستاوردهای اقتصادی مرسوم را بویژه به جهت دوری از آموزه‌های ارزشی - اخلاقی، به چالش کشید و در اثر تلاش‌های وی، نظریاتش رفته رفته پذیرفته و به تدریج در سر فصل‌های دوره کارشناسی اقتصاد گنجانده شد و به همین دلایل به دریافت

۱- Amartia k. Sen (1933-)

۲- Joseph stiglitz (1942-)

جایزه نوبل نائل آمد (با استفاده از قنادان، ۱۳۸۶). در اثر تلاش‌های امثال این دو نظریه‌پرداز، اخلاق مجدداً در اقتصاد و به ویژه در اقتصاد توسعه قویاً مطرح شده است. مایکل تودارو^۱ از معروف‌ترین نمایندگان اقتصاددانان متخصص توسعه است که روند توسعه‌ای که ذیل اقتصاد متعارف اتفاق افتاده را مورد انتقاد جدی قرار داده و توجه بیشتری به ارزش‌های فرهنگی و انسانی، احترام به نفس بیشتر و کیفیت زندگی برتر را پیشنهاد می‌دهد. همچنین تودارو مسائل اصلی توسعه را فقر، بیکاری و نابرابری درآمدها می‌داند (ر.ک.: تودارو، ۱۳۶۶). این بحث تا جایی فراگیر شده که در تعریف «برنامه توسعه ملل متحد»^۲ در توسعه پایدار، بر اولویت کاهش فقر و بیکاری، یکپارچگی اجتماعی و تجدید حیات محیط زیست تأکید می‌شود (ر.ک.: برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۳۷۴)، به طوری که صاحب‌نظران را نیز رفته رفته هر چه بیشتر به موضع‌گیری اخلاقی کشانده است، از جمله: توزیع منصفانه منافع حاصل از توسعه و در توسعه انسانی پایدار، عدالت باید محور باشد: عدالت درون نسلی در کنار عدالت بین نسلی؛ به گونه‌ای که همه نسل‌های کنونی و آتی بتوانند به بهترین نحو از توانایی‌های بالقوه خود استفاده کنند (بختیاری، ۱۳۷۹). در مباحث بعدی به توسعه و نسبت آن با اخلاق می‌پردازیم.

۳- درباره توسعه

برای توسعه نمی‌توان به راحتی تعریف دقیق، جامع و مانعی را ارائه داد اما در تعریفی اجمالی می‌توان گفت: توسعه فرایند پیشرفت هدفدار، مستمر، منسجم و همه‌جانبه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) می‌باشد. توسعه، علی‌رغم مفهوم ساده و روشن آن، مفهومی تا حدودی مبهم، پیچیده و چند بعدی است و علاوه بر انعکاس شاخص‌های کمی، در برگیرنده کیفیت اداره جامعه و زندگی شهروندان است.

توسعه از دیدگاه مدرن، مستلزم مجموعه بزرگی از تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که نتیجه آن ارتقای سطح ظرفیت‌های جامعه در امر تولید خواهد بود. تحقق توسعه، به عنوان یک متغیر وابسته، موکول به حضور و اثرگذاری ده‌ها متغیر مستقل است که نوع، سطح، میزان و کیفیت آن در شکل‌پذیری و چگونگی توسعه اثر می‌گذارد. یکی از الزامات

۱- Micheal P. Todaro (1942)

۲- United Nation Development Program (UNDP)

توسعه‌یافتگی، وجود فضای مساعد فرهنگی و شبکه کارآمد و پشتیبان تعاملات گسترده در سطح جهانی و ملی برای به هم آمیزی آموزش با تولید، دانش با کنش و تئوری با عمل است (آهنچیان، ۱۳۸۷).

توسعه، هم آرزو و هم رؤیای جوامع فقیر است و هم منشأ ناکامی، سرخوردگی، بی‌ثباتی، تضاد و دوگانگی اجتماعی و فرهنگی آنان و بنابراین، توسعه در ذهن و ضمیر مردمان کشورهای توسعه نیافته، جایگاه مشخص و روش تثبیت‌شده‌ای ندارد. کسب توسعه به دنبال گسترش نظام ارتباطات و رسانه‌های همگانی، حمل و نقل، جهانگردی و آشنایی ملت‌های عقب‌مانده از پیشرفت‌های جهان صنعتی مطرح شد و آرزوی رسیدن به چنان سطحی از زندگی، در اذهان زنده شد (ابطحی، ۱۳۸۴). توسعه، بهبود میزان تولید و درآمد و دگرگونی اساسی در شناخت نهادی اجتماعی، و مدیریت جامعه است (ازکیا، ۱۳۶۴).

توسعه همچنین به دور شدن از توسعه‌نیافتگی؛ یعنی رهایی از چنگال فقر تعریف شده است (میردال، ۱۳۶۶). توسعه به مثابه تحقق موقعیت‌های مورد نیاز برای عقلانیت و رشد استعداد فردی انسان‌ها، تعریف و به کنترل فقر، نابرابری و بیکاری تعبیر شده است که افزایش بازده اقتصادی، افزایش توانایی تولید اقتصاد ملی و پیشرفت تکنولوژیکی عموماً به عنوان شرایط ضروری برای توسعه پذیرفته شده‌اند (عیوضی، ۱۳۸۴).

۱-۳- توسعه و اخلاق

پس از جنگ جهانی و از سال ۱۹۴۵ میلادی، بیش از نیم قرن است که مطالعات توسعه به یکی از شاخه‌های علوم اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده، اگر چه بعدها به حوزه‌های فرهنگی و سیاسی نیز کشیده شده است؛ ولی در بحث‌های توسعه با گرایش‌های مختلف، نکته‌ای کلیدی و مهم مغفول مانده و آن، اخلاق است.

گرایش‌های لیبرالی به اخلاق چنان است که آنچنان که باید و شاید بدان توجه نداشته و گرایش‌های مکتب وابستگی^۱ و آمیختگی^۲ نیز به اصول اخلاقی واقعی نهنداند.

مقابلاً مفهوم «اخلاق توسعه» در برابر گرایش‌های فوق و پاسخ به سؤالات مربوطه پدید آمد که

۱- Dependency

۲- Articulation

به ارزیابی هنجاری و اخلاقی اهداف و ابزارهای توسعه می‌پردازد؛ به این ترتیب که توسعه را از نظر اخلاقی چگونه ارزیابی می‌کنیم و چه اهدافی را متناسب با هنجارهای جامعه برای آن مشخص می‌کنیم. مزایا و منافع توسعه چگونه توزیع شوند و هزینه‌های توسعه را چه کسانی بپردازند و به خصوص عدالت چه جایگاهی در توسعه دارد؟ و چگونه اعمال می‌گردد؟

۴- اخلاق توسعه

رشته جدید «فلسفه اخلاق توسعه» مدیون دنیس گولت^۱ است که از دهه ۱۹۶۰ میلادی به این امر اهتمام ورزید. او معتقد بود که توسعه باید بازتعریف، ابهام‌زدایی و وارد عرصه بحث اخلاقی شود؛ چرا که توسعه را تحمیل‌کننده هزینه‌های انسانی وحشتناکی می‌دانست و اعتقاد داشت که وظیفه اصلی اخلاق توسعه، انسانی کردن تصمیمات و فعالیت‌های توسعه است تا تغییراتی که تحت عنوان توسعه ایجاد می‌شوند، به ضدتوسعه تبدیل نگردند که انسان‌ها و فرهنگ‌ها را تخریب و فشارهای بی‌دلیل را بر جامعه تحمیل می‌نماید.

اخلاق توسعه به مثابه یک رشته پیوند دهنده، مفهومی است که علائم متعدد مشکلات با پیامدهای آن‌ها را در زمینه خط‌مشی به هم پیوند می‌دهد و این امر از طریق مطالعه ارزش‌هایی صورت می‌گیرد که از هزینه‌های ارزشی فرایندهای مختلف توسعه پرده برمی‌دارد (کراکر، ۱۳۸۴).

۴-۱- مروری بر مفهوم و تاریخچه اخلاق توسعه

در دهه ۱۹۷۰ میلادی، پژوهشگران توسعه در آمریکای لاتین حول مباحث اخلاق توسعه، تحقیقات و همایش‌هایی را به انجام رساندند که محور اصلی بحث‌ها درکی توسعه یافته از توسعه، فلسفه و توسعه، علم و توسعه، برداشت‌های چند وجهی - به جای یک بعدی- از توسعه، جداسازی مفهوم نوسازی و رشد اقتصادی از توسعه بود و به عقیده یکی از همین پژوهشگران:^۲ توسعه مستلزم ارضای نیازهای اولیه، هویت فرهنگی، اعتماد به نفس، درجات بالایی استقلال، سعه صدر در برابر آینده و تغییرات روانی جامعه است، جامعه‌ای که توانایی آن را دارد که با ابزار و

۱ - Denis Goulet

۲ - F. Roy Ramrez

آهنگ خاص خود، اشکال انسانی‌تر زندگی را تداوم بخشد.

در بحث فناوری نیز فناوری مهربان با محیط زیست انسانی و غیرانسانی، بیشتر کاربر و با مصرف انرژی پایین و بدون وابستگی که اعتماد و استقلال یک ملت را برانگیزد و نه فناوری آلوده‌کننده، پرهزینه، وابسته، انرژی‌بر و سرمایه‌بر مدنظر بود.

بحث اخلاق توسعه تقریباً در همه کشورها رایج شده و در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ میلادی محققان برجسته آسیایی در زمینه توسعه، مطالعات وسیعی به طور مشترک به انجام رساندند که نتایج آن از جمله در کتاب «معمای اخلاقی توسعه در آسیا»^۱ منتشر شد که در آن، توسعه «چارچوبی هنجاری در تعریف و تحلیل معماهای ذاتی در فرایند توسعه» با توجه به «آرمان‌های اخلاقی، سنت‌های فرهنگی و دینی جوامع» دانسته شده است.

در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ میلادی نیز مباحث مربوط به اخلاق توسعه در اقیانوسیه مطرح گردید و در سال ۱۹۸۶ سمیناری با همین عنوان در دانشگاه گینه نو برگزار گردید که در آن بحران توسعه در حوزه اقیانوس مطرح شد. در این سمینار جهت جلوگیری از فروپاشی جوامع سنتی و احیای اندیشه اخلاقی در روند توسعه، پیشنهاداتی مطرح گردید. سه کتاب ارزشمند نیز که حاوی مقالات اخلاق توسعه با عنوان: دیالکتیک توسعه^۲ جهان سوم، اقتصاد سیاسی توسعه^۳ و توسعه‌نیافتگی و فقر در میان و فور: اقتصاد سیاسی جهان و عدالت توزیعی^۴ می‌باشد، با نظارت دانشمندان و صاحب‌نظران استرالیا و اقیانوسیه منتشر شد.

در این کتاب‌ها به ویژه کتاب سوم، به جای تأکید صرف بر اقتصاد، بر اقتصاد سیاسی، نهادهای بنیادی و ارزش‌های جامعه‌محور، تأکید بیشتری شده و یکی از جمله‌های محوری کتاب، این چنین صورت‌بندی شده است: اقتصاد سیاسی جهانی، به بررسی روابط بین فقر و عدالت درون و بین جوامع می‌پردازد و این موضوعات را مدنظر قرار می‌دهد که چگونه عوامل سیاسی و اقتصادی باعث تداوم بی‌عدالتی و بی‌عدالتی چگونه باعث بقای فقر می‌شود. همچنین به این می‌پردازد که فقر چگونه به وجود می‌آید، تداوم و گسترش می‌یابد و خود، بی‌عدالتی را عیان

۱ - Ethical Dilemmas of Development in Asia (1980).

۲ - Dialectics of Third World Development.

۳ - The Political Economy of Development and Underdevelopment

۴ - Poverty in Plenty, World Political Economy and Distributive Justice

می‌نماید (کراکر، ۱۳۸۴).

نویسنده معتقد است اقتصاد سیاسی جهانی شامل عناصری اخلاقی است که مهمترین آن این است که فقر چگونه می‌تواند با وجود منابع تداوم یابد و چرا این وضعیت ناعادلانه است.

۲-۴- فلسفه اخلاق توسعه

فیلسوفان اجتماعی نیز به این امر پرداخته‌اند که از نام آوران آن می‌توان از اونورا اونیل^۱ انگلیسی و کتاب وی: چهره‌های گرسنگی؛ مقاله‌ای در باب فقر، عدالت و توسعه^۲، نام برد که در آن به اخلاق توسعه در ارتباط با ثروتمندان و فقرا می‌پردازند. همچنین صاحب‌نظرانی چون سگال^۳، داور^۴ و انجل^۵، توسعه را بدون اخلاق نفی می‌کنند؛ اخلاقی که رفع فقر از مهمترین اهداف آن باشد و در مرحله بعد اجتناب از آلودگی محیط زیست.

این بحث تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۹۸۴ میلادی، دیوید آلن کراکر و برخی فیلسوفان اخلاق توسعه پس از اینکه سمیناری درباره اخلاق و توسعه جهان سوم برپا نمودند، در سال ۱۹۸۷م. گروه تحقیق اخلاق توسعه، عنوان گروه را به انجمن بین‌المللی اخلاق توسعه^۶ تغییر دادند تا جایی که پس از چندی در پایان دهه ۱۹۸۰م. یکصد فیلسوف و کارشناس توسعه را از ۱۵ کشور برای بحران توسعه، اخلاق و جایگزین‌های توسعه گرد هم آورد.

در هر صورت موضوع اخلاق توسعه به مباحث اصلی توسعه تبدیل شده و جایگاه خود را در دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌های معتبر جهان یافته است.^۷

۱ - Onora Oneill

۲ - Faces of Hung: An Essay on Poverty, Justice and development

۳ - Jerome M. segal

۴ - Nigel Dower

۵ - J. Ron Engel

۶ - International Development Ethics Association

۷- از جمله عنوان یکی از مدخل‌های دایره‌المعارف راتلیج، فلسفه اخلاق توسعه را بر خود دارد.

۳-۴- دیدگاه پیشگام و صاحب‌نظر اخلاق توسعه

دنيس گولت^۱ یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان اخلاق توسعه، حدود نیم قرن مطالعات وسیع و بررسی‌های عمیقی را در کارنامه خود دارد.^۲ وی در ابتدای دهه جاری میلادی، بحثی را در این باب ارائه نموده است که سرفصل‌های بحث وی در ارتباط با موضوع این مقاله استخراج شده و در پی می‌آید (گولت، ۱۳۸۳).

در این بحث، گولت اصلی‌ترین دغدغه‌های اخلاق توسعه را در مفاهیم زیر بیان می‌دارد.

- متخصصان و نظریه‌پردازان توسعه به سادگی فرض می‌کنند که اهداف توسعه مقرر و معلوم هستند و اساساً به طوری توصیفی درباره آن بحث می‌کنند و به کمیات عملکردی تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و از این قبیل می‌پردازند و آن را توسعه می‌نامند، در حالی که در یک نگاه هنجارمند به زندگی نیک (سعادت‌مندان) و جامعه عادل و طبیعت متعادل، ممکن است آنها اصلاً توسعه نباشد؛ زیرا امکان دارد به شیوه‌ای حاصل شود که نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی را بالا ببرد و یا به شدت ویرانگر ارزش‌های فرهنگی، نهادهای محلی، شبکه‌های همبستگی و نیز طبیعت باشند.
- انسان تولیدکننده، مصرف‌کننده و یا رأی‌دهنده صرف نیست؛ بلکه افراد انسانی از ابعاد معنوی، فرهنگی، عاطفی، اجتماعی و نیازهای مربوط به ابراز وجود برخوردار هستند.
- در الگوهای مدرن انسانی، زندگی نیک (سعادت‌مندان)، زندگی با فضیلت و یکپارچه و در توزیع، گونه‌ای تقریباً منصفانه می‌باید دیده شود.
- شیوه ابقای فرهنگی، همان تضمین بقای اقتصاد است، پس می‌باید اقتصاد تابع اهداف فرهنگی شود.

۱- Denis Goulet

۲- گولت، مطالعه حوزه میان رشته‌ای اخلاق توسعه را در سال ۱۹۵۶ میلادی آغاز کرد. او برای آشنایی با جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی توسعه نیافتگی، به مدت ۱۰ سال در فرانسه، اسپانیا، الجزایر، لبنان و برزیل مشغول به کار بود و حتی در میان قبایل چادرنشین صحرا و نیز کارگران کارخانجات مشغول تحقیق بوده و در گروه‌های برنامه‌ریزی توسعه نیز برای دولت‌ها خدمت کرده و در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی به مطالعه برنامه‌ریزی تغییرات اجتماعی پرداخته است.

- توسعه می‌باید به طریقی صورت گیرد که ساختارهای اجتماعی، نهادهای محلی، فرهنگ و هویت مردم ویران نشود.
- طبق نظر هیرشمن، بسیاری از جوامع سنتی دیدگاه «خودمحور» را در باب تغییر نمی‌پذیرند؛ زیرا ارزش‌های آنها را در ارتباط با همبستگی اجتماعی از بین می‌برد؛ روش «گروه‌محور» البته متمایز است.
- در توسعه، ظهور طبقه‌ای از افراد صاحب امتیاز و ذی‌نفع، اهداف آن را به ضد خود تبدیل می‌کند.
- تکنولوژی می‌باید در خدمت ارزش‌ها باشد تا هویت فرهنگی و تعلق به موطن تحت‌الشعاع قرار نگیرد. انسان توسعه‌یافته امروز فاقد چشم بصیرت است و قادر به فهم شبکه کلی زندگی و روابط افراد با طبیعت، جهان و کیهان بزرگ‌تر نمی‌باشد.
- اخلاق به عنوان اصلی‌ترین ابزار دو کار انجام می‌دهد: نخست در مورد اهداف قضاوت می‌کند که اهداف می‌باید پُرفضیلت، عادلانه، حق و پذیرفتنی باشد؛ دوم اینکه ابزارها برای رسیدن به اهداف متناسب یا نامناسب‌اند. نه فقط هدف‌ها دارای ارزش‌اند، بلکه خود ابزارها نیز مستقل از هدف‌هایی که به آنها ارجاع می‌یابند، حاصل ارزش‌ها هستند و ابزارها ممکن است ارزش‌ها را تخریب کنند.
- تکنولوژی غربی، یک پدیده ارزشی خنثی نیست، بلکه نوعی تعصب بسیار قوی به شکل خاصی از عقلانیت، مفهوم خاصی از کارآیی و رویکرد ویژه‌ای به قدرت در آن نهفته است. بررسی این پدیده در قالب ایده ابزارها این نکته را عیان می‌سازد که ممکن است این شکل تکنولوژی خاص از عقلانیت با ارزش‌ها و فرهنگ‌های دیگر در تضاد باشد و امکان دارد برای جلوگیری از تخریب زندگی اجتماعی، حتی بهترین تکنولوژی‌ها مورد تردید قرار گیرد.
- زیست‌محیط‌گرایان و اکولوژیست‌ها اساساً دغدغه‌های اخلاقی دارند: بقای سیاره، حفظ تنوع موجودات و نگهداری منابع تجدیدناشونده.
- توسعه مرسوم فقط به ۵ تا ۱۰ درصد مردم سود سرشار می‌رساند و وضع درصد قابل توجهی از مردم وخیم‌تر می‌شود، زیرا توسعه سبب تمرکز ثروت و افزایش نابرابری‌ها شده است.

- توسعه واقعی، ایجاد دیدگاهی منسجم درباره زندگی خوب انسانی، مفهومی غنی و گسترده از جامعه عادلانه و فهمی با تناسب از موضع ما نسبت به طبیعت است.
- طبیعت را باید حفظ کرد نه فقط به این دلیل که چون ماتریسی است که آدمیان امکاناتشان را از آن می‌گیرند بلکه به این دلیل که طبیعت فی‌نفسه ارزشمند است.
- اگر بخواهیم دیدگاه‌های گولت را خلاصه و دسته‌بندی نماییم، به جمع‌بندی زیر می‌رسیم:
- انسان فقط تولید و مصرف‌کننده نیست بلکه از ابعاد معنوی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار است.
- توسعه فقط رشد کمی نیست، رسیدن به زندگی نیک (سعادت‌مندانه)، با فضیلت، عادل و حفظ ارزش‌های فرهنگی، نهادهای محلی و شبکه‌های همبستگی می‌باید در توسعه دیده شود.
- می‌باید اقتصاد تابع اهداف فرهنگی شود و تکنولوژی در خدمت ارزش‌ها و هویت فرهنگی قرار گیرد.
- به جای خودمحموری (که در تعریف انسان اقتصادی وجود دارد)، همبستگی اجتماعی و روش «گروه‌محور» مدنظر باشد.
- در فرایند توسعه، طبقه صاحب امتیاز ظهور می‌کند و وضع بسیاری از مردم وخیم‌تر می‌شود.
- توسعه سبب تمرکز ثروت و افزایش نابرابری‌ها شده و در آن، دغدغه‌های اخلاقی عدالت و انصاف چندان وجود ندارد؛ در حالی که مفهومی غنی و گسترده از جامعه عادلانه پیش‌نیاز توسعه است.
- توسعه واقعی با حفظ طبیعت و محیط زیست و فهمی متناسب از موضع ما نسبت به طبیعت ملازم است.
- دیدگاه‌های فوق نهایتاً معطوف به سه مفهوم «عدالت»، «فرهنگ»، معنویت و یکپارچگی اجتماعی» و «حفظ طبیعت و محیط زیست» می‌باشد که در ادامه، به آنها و نیز نسبت نگرش اسلامی با آنها می‌پردازیم.

۵- ناهنجاری‌های توسعه**۵-۱- تخریب محیط زیست**

علی‌رغم تلاش‌های بسیار نظریه‌پردازان محیط‌زیست‌گرا و پیگیری‌های دولت‌ها، نهادهای عمومی، احزاب، مطبوعات، تشکل‌های غیر دولتی و عموم مردم در جهت جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط‌زیست و برقراری مالیات‌های بعضاً سنگین بر آلوده‌کنندگان و لطمه‌زنندگان به محیط زیست^۱، بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها ۸ میلیون هکتار از ۱۷۰ میلیون هکتار جنگل‌های امریکا باقی مانده است (فرمانفرمایان، ۱۳۸۳). زمین هر روز گرم‌تر می‌شود و تخریب لایه اوزون، صدمات بسیاری به زمین، به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان می‌زند که سهم کشورهای ثروتمند و پیشرفته در آن بسیار بالا است.

راهکارهای اقتصادی مورد استفاده برای دستیابی به سطح بهینه رفاه اجتماعی کافی نیست. به همین دلیل، امروزه شاهد گرایش روزافزون دانشمندان اقتصادی و متخصصان زیست‌محیطی به اخلاق هستیم. در این زمینه می‌توان به پژوهش ۳ ساله یک هزار دانشمند در مرکز ادیان جهان واقع در دانشگاه هاروارد اشاره کرد که پیرامون ارتباط دین و محیط زیست انجام دادند و در نهایت اعلام کردند: «ادیان باید از نیروی خود برای پایان دادن به بهره‌برداری لجام‌گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری مشترک برای حفظ محیط زیست استفاده کنند (شاه‌ولی، ۱۳۸۷).

۵-۲- فقر و نابرابری

آیا توسعه، فقر و نابرابری را از بین برده است؟ این موضوع برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی در هند مطرح گردید؛ چرا که آمارها نشان از افزایش نابرابری و بدتر شدن وضع فقرا داشتند. حتی در سال ۱۹۸۵م. اعلام شد در امریکا حدود ۲۰ میلیون نفر در گرسنگی مطلق زیر خط فقر شدید هستند. در نیم قرن بعد از جنگ جهانی دوم، تعداد فقرا در امریکا همواره سیر صعودی داشته است (میرمعزی، ۱۳۸۰). ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر یا ۴۶ درصد جمعیت جهان در زیر خط فقر تعریف بانک جهانی (۲ دلار در روز) به سر می‌برند. از این تعداد، بیش از یک

۱- فکر مالیات بر آلودگی محیط زیست، اول بار از سوی آرتور سیسیل پیگو (Arthur Cecil Pigou, 1877- 1959) دانشمند معروف اقتصاد و اهل انگلستان در سال ۱۹۲۰ میلادی پیشنهاد گردید.

میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر زیر خط فقر شدید بانک جهانی (یک دلار در روز) قرار می‌گیرند و مردمی که در این حد باور نکردنی فقیرند، بی‌نهایت آسیب‌پذیرند و ناتوان‌تر از آن که بتوانند کوچکترین تغییری در شرایط اجتماعی و طبیعی خود پدید آورند. آنها همچنین ناتوان‌تر از آن هستند که اشکال استثمار و بهره‌کشی از خود را از میان ببرند.

هر سال حدود ۱۸ میلیون نفر از آنان قبل از بلوغ به دلیل مسائل ناشی از فقر می‌میرند. این میزان حدود یک سوم کل مرگ بشر در سال است و هر روز ۵۰ هزار نفر می‌میرند که ۳۴ هزار نفر از آنان، کودکان زیر ۵ سال هستند (کراکر، ۱۳۸۴).

در مورد نابرابری نیز وضعیت بسیار ناهنجار است و در حالی که ۵ درصد از ثروتمندترین مردم امریکا بیش از یک چهارم ثروت خالص کشور را در سال ۱۹۴۶ در اختیار داشتند، این نسبت در سال ۱۹۸۳ میلادی به بیش از یک سوم رسید (با استفاده از میرمعزی، ۱۳۸۰) و وضعیت در سایر کشورهای صنعتی نیز کم و بیش همین گونه بوده است و نسبت کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه بسیار بدتر از این است.

چنین فقر عظیم و وسیعی تا هنگامی که ثروت عظیم و رو به افزایشی در جای دیگر وجود دارد، پایدار و مستدام خواهد ماند. در آمد متوسط شهروندان کشورهای ثروتمند حدود ۵۰ برابر متوسط درآمد فقیران جهان است (توماس، ۲۰۰۲).

ملاحظه می‌شود که صنعتی شدن و توسعه به آلودگی و تخریب محیط زیست منجر شده و اسراف در تولید و مصرف در نتیجه تبلیغات شبانه‌روزی تمامی رسانه‌ها، به نابرابری‌های گسترده و فقر وسیع دامن زده است.

جالب توجه است که این دو آسیب یعنی نابرابری و محیط زیست ضعیف‌تر با یکدیگر در ارتباط می‌باشد؛ چنانکه توراس و بویس (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که در سطح جهان، کشورهایی با توزیع درآمد برابرتر، به کیفیت بالاتری از محیط زیست تمایل دارند. همچنین میدلتون و کیف (۲۰۰۱) گفته‌اند: تحلیل و زوال توسعه با بی‌عدالتی اجتماعی آغاز می‌شود (فراهانی فرد، ۱۳۸۴).

۷. نگاهی به آموزه‌های اسلامی

۱-۲- حرمت محیط زیست

در دیدگاه دینی بویژه نگاه مسلمانان، طبیعت مظهر و تجلی خداوند بوده و انسان، برترین مخلوقات است و مقام خلیفه الهی را دارا می‌باشد و بحث عالم کبیر و عالم صغیر (انسان و جهان)، جایگاه والایی در حکمت و عرفان اسلامی دارد و از این رو در این فرهنگ، انسان در ارتباط با کل جهان هستی تعریف می‌شود و در برابر کل موجودات مسؤول است.

در این بخش با توجه به موضوع مقاله، نکاتی درباره طبیعت ارائه می‌گردد.

آبادی زمین و منع اسراف و آلایش: آیات، احادیث و روایات بسیاری در حرمت محیط زیست وارد شده است؛ از جمله در قرآن آمده است: «هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها» (سوره هود، آیه ۶۱) او شما را از زمین آفرید و بر شماست که آن را آباد کنید. همچنین: «و لاتسرفوا إنه لایحب المسرین» (سوره انعام، آیه ۱۴۱). اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

درباره آب از سفارشات پیامبر اکرم (ص) صرفه‌جویی در مصرف آب بوده است که حتی در کنار رود خروشان، اسراف آب را منع فرموده‌اند. آلوده ساختن آب‌ها نیز در احادیث و روایات اکیداً منع شده است. در حفر چاه‌ها و قنات نیز استنباطی که عموم فقها از حریم احداث آن‌ها دارند، عدم اضرار است که به تبع آن اضرار به دیگران است؛ به این ترتیب که از نظر استحصال و بهره‌برداری از منابع آبی، نباید زیاده‌روی نمود؛ به طوری که محیط زیست و ساکنان دیگر از آب محروم شوند.

ارزش گیاهان: در آموزه‌های اسلامی، در باب زراعت و درختکاری نیز بسیار تأکید شده است. از امام صادق (ع) نقل شده که درختان را قطع نکنید. پیامبر نیز فرموده است هر مسلمانی که درختی بکارد، مزرعه‌ای آباد کند تا انسان، پرنده یا حیوانی از آن تغذیه کند، این کار برای او خیرات به شمار می‌رود.

حتی یاران پیامبر که به این ارزش‌ها معتقد بودند، با محیط زیست روابطی دوستانه داشتند؛ به همین سبب خلیفه اول، به فرمانده سپاه، مراعات دقیق ارزش‌های زیست محیطی را حتی در قلمرو دشمن به صورت زیر مکتوب کرد: درختی را قطع نکنید؛ به رودخانه‌ای آسیب نرسانید؛ به حیوانات و محصولات صدمه نزنید و همیشه با آفریدگان خداوند مهربان باشید؛ اگر چه از دشمنان شما باشند (رمضان اختر، ۱۳۸۱).

منع نابود کردن حیوانات: کشتن بجز معدودی از حیوانات (حلال گوشت) در اسلام جایز نمی‌باشد و هرگز نباید برای تفریح حیوانی کشته شود و انسان‌ها حتی در برابر نیازهای غذایی حیوانات مسؤول هستند. سفر صید تفریحی نیز حرام شمرده شده است (رضایی، ۱۳۸۰).

۲-۷. توصیه به عدالت و رفع فقر

واژه «عدل» ۱۴ بار در قرآن آمده و واژه‌های مشتق از عدل مانند «اعدلوا» نیز ۱۴ بار قرآن ذکر شده است؛ مانند: «اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل»، هنگامی که به داوری بین مردم برخواستید به عدالت رفتار کنید (سوره نساء، آیه ۵۸)؛ «إن الله یأمر بالعدل و الاحسان»، خداوند به عدالت و احسان فرمان داده (سوره نحل، آیه ۹۰)؛ «اعدلوا هو أقرب للتقوی و اتقوا الله»، به عدالت رفتار کنید که نزدیک‌ترین راه به سوی تقوا است و تقوای خدا را پیشه کنید (سوره مائده، آیه ۸).

همچنین واژه «قسط» ۱۵ بار در قرآن آمده و واژه‌های مشتق از آن از قبیل «مقسطین» نیز بارها و بارها در آیات قرآنی دیده به کار رفته است؛ مانند «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم»، ای اهل ایمان! نگاهبان عدالت باشید و گواهان خداوند (موافق حکم خدا رفتار کنید) هر چند بر ضرر شما باشد (سوره نساء، آیه ۱۳۵). «و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط»، و اگر حکم کردی (بین آنها) به عدالت حکم کن (سوره مائده، آیه ۴۲). «و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»، و بر ایشان کتاب و میزان (عدالت) نازل کردیم تا مردم را به عدالت بخوانند (سوره حدید، آیه ۲۵). «ان الله یحب المقسطین»، خداوند آنان را که حکم به عدل می‌کنند (و عدالت می‌ورزند)، دوست می‌دارد (سوره مائده، آیه ۴۲؛ سوره حجرات، آیه ۹ و سوره ممتحنه آیه ۸).

علاوه بر این‌ها، آیات بسیاری دلالت بر دستور الهی بر عدالت دارد، از جمله «کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم... و اتقوا الله ان الله شدید العقاب» (سوره حشر، آیه ۷). در این آیه پس از اینکه دستوری اقتصادی صادر می‌کند، ادامه می‌دهد تا ثروت فقط بین اغنیاء دست به دست نشود و بعد تأکید می‌کند که تقوای خدا را پیشه کنید که عقوبت خداوند فرساست؛ یعنی اگر ثروت صرفاً بین اغنیاء در گردش باشد، عقوبت نتیجه آن است.

همچنانکه روایاتی از امام علی (ع) نقل شده مبنی بر «العدل حیاة الاحکام» حیات احکام به عدل

است و یا: «ما عمرت البلدان به مثل العدل» هیچ چیزی مانند عدالت آبادانی شهرها را در پی ندارد.

همچنین روایاتی از امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) که مضمون نزدیکی دارند نقل شده که اگر در میان مردم عدالت رعایت شود، بی‌نیازی حاصل می‌شود.

درباره رفع فقر نیز در آیات زیادی از قرآن کریم بر رسیدگی به فقرا و محرومان تأکید شده است؛ مانند «للفقراء الذين احصروا...» (بقره، ۲۷۳): (بخشی از اموال) مخصوص فقیرانی است که ناتوان (و آبرومند) هستند؛ «اطعموا البائس الفقير...» (حج، ۲۴): فقیران مستأصل را تأمین (غذا) کنید؛ و «و الذين في أموالهم حق معلوم للسائل والمحروم» (معاراج، ۲۴ و ۲۵): در اموال (آنها) حقی معلوم برای محرومان است.

علاوه بر آن، بیش از ۷۰ بار افعال مربوط به انفاق همچون: تنفقون (۲۰ بار) در قرآن آمده که بویژه در ۳ آیه (بقره، ۳؛ انفال، ۳ و حج، ۳۵) انفاق هم عرض به پا داشتن نماز ذکر شده است: «يقيمون الصلوة و مما رزقناهم ينفقون». انفقوا نیز ۱۱ بار تکرار گردیده که در برخی آیات، انفاق در پی ایمان آوردن، آمده و دارای اجری عظیم می‌باشد: «فالذين آمنوا منكم و انفقوا لهم اجر كبير» (حدید، ۷)؛ انفقوا و تنفقوا (هر یک ۹ بار)؛ ینفق (۷ بار) و همچنین آیات دیگری در این باره سفارش نموده است.

احادیث و روایات نیز بر رفع فقر مؤکداً و مکرراً، یادآوری کرده‌اند که یک مورد برای نمونه ارائه می‌شود. در روایتی از علی(ع) که از قول پیامبر(ص) نقل شده، آمده است: «خداوند بر ثروتمندان، مقداری از اموالشان را که برای فقیران کفایت می‌کند، واجب کرده است» (چچرا، ۱۳۸۴).

۳-۲- جنبه‌های دیگری از عدالت و سرمایه اجتماعی

سعدی یکی از معلمان بزرگ اخلاق در تاریخ ایران اسلامی در سه بیت زیبا این مفهوم را بیان نموده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

این ابیات پس از گذشت قرن‌ها، زینت سرسرای سازمان ملل متحد در نیویورک شده است، که اگر این توصیه در برنامه‌های توسعه ملی و بین‌المللی گنجانده و به آن عمل شود، هیچگاه شاهد بی‌عدالتی و نابرابری نخواهیم بود.

همچنین وابستگی مطلوبیت فرد به مطلوبیت افراد دیگر و تقدم رعایت حق‌الناس در بسیاری از موارد بر حق الله، افزایش همبستگی و یکپارچگی را به دنبال دارد. اصل لاضرر نیز که از اصول اساسی تفکر اسلامی بر نفی ضرر رساندن به دیگران استوار است و از سوی دیگر در آیات، احادیث و روایات زیادی درباره کمک و مساعدت به دیگران، توصیه اکید شده است.

این موارد و موارد دیگری از این قبیل که در اسلام به آنها سفارش شده است، یکپارچگی و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. از نمونه‌های این نوع آموزه‌ها در ارتباط با توسعه می‌توان از خانواده نام برد که در دیدگاه اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است که می‌تواند گروه کوچک ولی با انسجام بالایی به وجود آورد که با حمایت کامل جامعه اسلامی، سرمایه اجتماعی ایجاد نماید (گریلی^۱، ۱۹۹۷؛ از کوهکن، ۱۳۸۸).

همچنین توصیه به ایجاد روح اخوت و «رحماء بینهم» در جامعه اسلامی و یاری برادران که وظیفه همگانی است، تأکید به وفای عهد و امانتداری و رعایت حقوق (حفظ مال، آبرو و...) دیگران و همچنین حرمت دروغ، غیبت، تهمت، کینه‌ورزی و ... که در جای جای قرآن کریم آمده، از مواردی است که به ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

در حوزه اقتصادی نیز انفاق، قرض‌الحسنه، وقف و از این قبیل، از مهمترین آموزه‌های اسلامی است که خیرخواهی عمومی و انسجام اجتماعی نتیجه آن می‌باشد و در مرحله بالاتر «ایثار» است که ایثارگر در مقابل کارهای خیر خود، هیچگونه مزد و پاداشی از جامعه انتظار ندارد که برای آن اجر عظیمی منظور شده است. این موارد و موارد بسیار دیگر به افزایش سرمایه اجتماعی منجر می‌گردد (ر.ک: کوهکن، ۱۳۸۸).

۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله، سیر اندیشه اقتصادی و اقتصاد توسعه در ارتباط با اخلاق به طور مختصر ارائه گردیده و آسیب‌های جدایی اقتصاد و توسعه از اخلاق مرور شد. این جدایی آسیب‌هایی مانند فردگرایی مفرط، دوری از عدالت، گسترش فقر و تخریب محیط‌زیست را در پی داشت و عکس‌العمل آن به صورت بازگشت مجدد به اخلاق و نیز پیدایش و گسترش بحث سرمایه اجتماعی تجلی یافت. این سیر تحولات، تجربه گرانقدری را بویژه پیش روی کشورهای در حال توسعه می‌گذارد.

در ادامه، دیدگاه اسلام درباره عدالت، نفی فقر، اهمیت محیط‌زیست و سرمایه اجتماعی بیان شد که بیانگر این است که مسلمانان که اکثریت آنان در کشورهای در حال توسعه ساکن‌اند، چارچوب‌های تئوریک اولیه را در اختیار دارند که با استخراج و به روز کردن این مفاهیم، می‌توانند عوارض و آسیب‌های دنیای مدرن در این حوزه‌ها را در جوامع خود کاهش دهند. بر این اساس، پیشنهادهای مقاله ارائه می‌گردد:

۱- در برنامه‌های اقتصادی، تولیدی و به ویژه توسعه‌ای در سطح خرد، ملی و بین-المللی، چاره‌ای نیست مگر اینکه تنها کره قابل حیات و سکونت برای انسان (زمین) حتی الامکان محفوظ بماند و فضای حیاتی آن برخلاف روندی که در یکی دو قرن اخیر داشته، گسترش یابد و از آلودگی‌ها مصون بماند. در مورد آموزه‌های اسلامی، کافی نیست که صرفاً آنچه در آیات، احادیث و روایات درباره آب، خاک، درخت و از این قبیل (که در این مقاله نیز تنها به آنها اشاره شده است) آمده، احصاء و فقط آن‌ها رعایت گردد. دنیای جدید با خود هزاران دستاورد مثبت و منفی داشته که می‌باید درباره آنها نیز حکم استنباطی صادر گردد. می‌باید روح و محور مشترک احکام مربوطه استخراج و به موارد جدید نیز تعمیم یابد.

۲- در اکثر قریب به اتفاق مکاتب و مذاهب، عدالت یک اصل محوری است و حتی شاخه‌ای از سرمایه‌داری، جهت جلوگیری از فروپاشی نظامات اجتماعی و ارتقای یکپارچگی، اعتماد و سرمایه اجتماعی، امروزه به تبیین و توصیه عدالت پرداخته‌اند

که یکی از مطرح‌ترین آنها عدالت لیبرالی راولزی^۱ است. در اسلام نیز عدل یکی از اصول ۵ گانه تشیع است که به جهت تأکید بر عدالت، مذهب شیعه را عدلیه نیز خوانده‌اند. اما نکته‌ای که در اینجا از اهمیت برخوردار است، اینکه عدالت مانند بسیاری از مفاهیم، نسبی است و در گذر زمان متحول می‌شود. در زمانی برده‌داری به عنوان جزئی از نظام اقتصادی جایز شمرده می‌شد و حتی دستورالعمل‌های «آداب برده‌داری عادلانه» نگاشته می‌شد، اما در دوره‌های دیگر، اصل برده‌داری ناعادلانه می‌شود و بحث‌های فرع بر آن نیز منتفی می‌گردد. در مورد عدالت نیز همچنانکه شهید محمدباقر صدر پیشنهاد داده‌اند، می‌باید از احکام اقتصادی اسلام، اصولی استخراج گردد و تمامی اجزای فقه با آن اصول تطبیق داده شود و اگر برخی اجزاء تطابق لازم را با آن اصول نداشت، با جرأت و جسارت به کنار نهاده شود. شهید صدر یکی از محوری‌ترین اصول را عدالت می‌داند و لازم است بلافاصله اضافه شود، عدالت نیز با مفهومی که عقلای امروز از آن می‌فهمند، می‌باید مدنظر قرار گیرد. اینجاست که می‌باید اجتهاد در اصول انجام شود و پیرو آن، عدالت کاربردی که ذیل اخلاق کاربردی تعریف می‌گردد، به کار گرفته شود و چه بسا که اگر این فرایند انجام گیرد، ادبیات اقتصاد اسلامی مسیر دیگری را پیماید و مثلاً سود بانکی تحت عنوان ربا که حجم عظیمی از ادبیات اقتصاد اسلامی را به خود اختصاص داده است، مفهوم دیگری پیدا کند.

۳- در مورد سرمایه اجتماعی نیز کلیاتی درباره ابعاد مختلف آن در منابع اصلی اسلامی ارائه و به آنها توصیه شده است؛ مانند: خانواده، اخوت، رعایت حقوق دیگران، قرض‌الحسنه، وقف، انفاق، ایثار و... و نیز حرمت غیبت، تهمت و از این قبیل. اما این‌ها می‌باید با جوامع پیچیده، متحول و جهانی شده قرن بیست و یکم انطباق یابد.

منابع

- آلوی، جیمز (۱۳۸۴)، «تاریخچه‌ای از علم اقتصاد در جایگاه علمی - اخلاقی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ترجمه علی نعمتی، سال ۵، شماره ۱۹، پاییز.
- آهنچیان، محمدرضا (۱۳۸۷)، «بن‌بست‌های توسعه از راه دانش: بازبینی رابطه دانش و توسعه در کشورهای رو به توسعه» در **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال ۲۲، شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور.
- ابطی، سیدمصطفی (۱۳۸۴)، «توسعه، ابهام مفهومی، مبانی معرفتی و الگوی دینی و بومی»، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره دوم، تابستان.
- ابو عبید، القاسم ابن سلام (۱۳۵۳ ه.ق.)، **کتاب الاموال**؛ تحقیق: محمد خالد الحراد؛ القاهرة: المكتبة التجارية الكبرى.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی**؛ تهران: انتشارات اطلاعات.
- بختیاری، صادق (۱۳۷۹)، «نگاهی به مفهوم عدالت و توسعه در اقتصاد اسلامی»، **مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی**، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- برنامه توسعه سازمان ملل متحد (ی.ا.ن.دی.بی) (۱۳۷۴)، **گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴**؛ ترجمه قدرت‌الله معمارزاده؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «اخلاق، اقتصاد و محیط زیست؛ **جستارهای اقتصادی**»، سال اول، شماره ۲.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**؛ ترجمه غلامعلی فرجادی؛ تهران: نشر بازتاب.
- چپرا، محمد عمر (۱۳۸۴)، **اسلام و چالش‌های اقتصادی**، ترجمه سید حسین میرمعزی و همکاران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حیدر نقوی، سیدنواب (۱۳۸۰)، «اقتصاد توسعه: الگویی جدید»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ترجمه حسن توانانیان فرد، سال اول، شماره ۲، تابستان.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۳)، **تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی**، قم: مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- رضایی، معجد (۱۳۸۰)، «حفظ محیط زیست در پرتو مکتب اقتصاد اسلامی»، **مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی**، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- رمضان اختر، محمد (۱۳۸۱)، «به سوی رویکردی اسلامی از توازن زیست محیطی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ترجمه عباس عرب مازار و حسن دادگر، سال ۲، شماره ۸، زمستان.
- سعادت، رحمان (۱۳۸۴)، **تجزیه و تحلیل سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی در ایران**، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- سن، آمارتیا کومار (۱۳۷۷)، **اخلاق و اقتصاد**، ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه.
- شاه ولی، منصور (۱۳۷۸)، **گفتن پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین اسلام**، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۴)، «تأملاتی در طرح بحث انسان، موضوع توسعه»، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۴، زمستان.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴)، «توسعه پایدار بر محور عدالت»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال ۵، شماره ۱۹، پاییز.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضایی، انتشارات کویر.
- قنادان، محمود (۱۳۸۶)، **کلیات علم اقتصاد**، انتشارات دانشگاه تهران.

- گولت، دنیس(۱۳۸۳)، «اخلاق نوین توسعه؛ مصاحبه‌ای با دنیس گولت»؛ ترجمه جمال محمدی، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره اول، زمستان.
- میر معزی، حسین(۱۳۸۰)، «همسویی رشد و عدالت در نظام اقتصاد اسلامی»، **مجموعه مقالات دومین همایش اقتصاد اسلامی**، دانشگاه تربیت مدرس.
- میر، جرالده و جوزف استیگلیتز(۱۳۸۲)، **پیشگامان اقتصاد توسعه**، ترجمه غلامرضا آزاد، نشر نی.
- میردال، گونار(۱۳۶۶)، **درام آسیایی**، ترجمه منوچهر امیری؛ تهران: امیرکبیر.
- نمازی، حسین(۱۳۷۴)، **نظام‌های اقتصادی**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- هملین، آلن(۱۳۸۶)، **اخلاق و اقتصاد**؛ ترجمه افشین خاکباز و محمد حسین هاشمی؛ ویراستار حسین راغفر؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کراکر، دیوید آلن(۱۳۸۴)، «به سوی اخلاق توسعه»، **فصلنامه راهبرد یاس**، ترجمه اسماعیل رحمانپور و مهدی صفاردستگردی، شماره دوم، تابستان.
- کراکر، دیوید آلن(۱۳۸۴)، «فلسفه اخلاق توسعه؛ خاستگاه‌ها، همسویی‌ها و ناهمسویی‌ها»، **فصلنامه راهبرد یاس**، ترجمه حامد حاجی‌حیدری، شماره ۳، پاییز.
- کوهکن، علیرضا(۱۳۸۸)، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی؛ **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۱۷، بهار.
- Galbraith, J.K.(1987), *A History of Economics*, London: Hamish Hamilton.
- Greeley, A.(1997), Religious Structure as a Source of Social Capital; *American Behavioral Scientist*, Vol. 20 (5).
- Marwell, G. & Ames, R.(1981), Economist free Ride, Does Anyone Else?; *Journal of Public Economics*, vol. 15.
- Sen, Amartya, k.(1987) *On Ethics and Economics*; Oxford University.
- Smith, adam (1976), *An Inquiry into the Nature and Causes of the wealth of Nations*; Oxford University Press [orig. pub. 1776].
- Thomas, W.P. (2002), *World poverty and human Rights*; U.K: polity press.